



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در مسئله فرق اسلامی بسیار مهم است زیرا در نتیجه بد فهمی و کج فهمی، یک جریان مغرضانه ای در برابر تشیع بوجود آمده، انسان در هر بحثی که وارد می شود باید حق مطلب را اداء کند ولو مختصر.

باید توجه داشته باشیم که دو ستون و دو فرهنگ و دو مکتب بوجود آمده؛ اول مکتبی که مورد نظر خدا و پیغمبر خدا بود یعنی مکتب ولایت و امامت و اهل بیت علیهم السلام و دوم فرهنگی در مقابل تشیع و با هدف نابودی تشیع، که در طول قرون و اعصار این دو جبهه در مقابل هم بوده اند.

مقداری از فعالیت‌هایی که در مقابل اهل بیت و تشیع انجام شده بود را به عرضتان رساندیم مثل اینکه صحابه را در مقابل ائمه علیهم السلام قرار دادند و بعد برای تطهیر و تقدیس آنها گفتند کلهم مجتهدون و کلهم عدول، بالاخره تصمیم به نابودی شیعه گرفتند که مُجَدَّ جواد مغنیه در کتاب "الشیعة والحاکمون" فرموده حاکمون یعنی بنی امیه و بنی عباس تصمیمشان نابود کردن شیعه بود به این معنی که هیچ شیعه ای نباید در روی زمین باقی بماند.

مکتب مقابل اهل بیت علیهم السلام در سه جبهه ی تفسیر و تاریخ و حدیث برای نابودی شیعه کمر بسته بودند و حکومت های سنی هم همینجور بودند و اصلا نگذاشتند شیعه قدرت پیدا کند فقط حضرت امیر علیه السلام چند سالی حکومت داشتند که در آن ناکثین و مارقین و قاسطین جنگ‌هایی را به حضرت تحمیل کردند و اینگونه با حضرت مخالفت کردند و بعد از شهادت حضرت هم دیگر نگذاشتند هیچ کس از شیعه به حکومت برسد تا زمان صفویه که شیعه یک نفسی کشید چون تشیع به

صورت مقطعی قدرتی پیدا کرد و ما باید خداوند را شاکر باشیم که در زمان ما یک حکومت شیعی قدرتمند بوجود آمده است و دشمنان از همین قدرت در هراس هستند لذا تمام تلاششان را می کنند که این حکومت را بر اندازی کنند.

خب و اما شیعه نیز همیشه تلاش و مقاومت زیادی برای حمایت و حفظ مکتب اهل بیت علیهم السلام کرده و توانسته با شور و قدرت و بصیرت خود تا امروز در میان این گردابها تشیع را حفظ کند، از همان روز اول که ابوبکر بر منبر خلافت نشست ذکر شده که ۱۲ نفر از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام من جمله جناب ابوذر و سلمان و مقداد برخاستند و در بحار(جلد ۴۲ صفحه ۳۶ و جلد ۲۸ صفحه ۹۳) ذکر شده که سلمان فریاد کشید و به ابوبکر گفت: "کردی و نکردی و نیکو نکردی و حق امیر بردی، شما سنت پیامبر را می‌دانید، اما از آن طرفه رفتید، و نسبت به سنت پیامبر خطا کردید و هر کس پیمان شکنی کند، علیه خویش اقدام کرده"، بالاخره شیعه همیشه احتجاجات و مناظراتی داشته و یکی از محسنات شیعه همین مناظرات می باشد که الغدیر و عبقات الأنوار و المراجعات و النص والإجتهد و معالم المدرستین و الفصول المهمة و إحقاق الحق و دیگر کتب همگی از همین مناظرات می باشند که در آنها با قلم برای اثبات حقانیت و حفظ تشیع تلاش و مجاهدت زیادی شده.

خود ائمه علیهم السلام نیز هیچوقت ساکت نبودند و شاگردانی و جلساتی داشتند و منبرها و خطابه ها و مجالس عزاداری هائی داشتند و شعرائی امثال دعبل خزاعی ها و کمیت بن زید اسدی ها نیز با زبان شعر مبارزاتی داشتند و ساکت نبودند و اما خود عاشوراء و مکتب عاشورا هر ساله با شور و غوغائی که داشت و دارد خودش جبهه ای برای مبارزه بوده و هست و همچنین فاطمیه نیز از اول همینطور بوده و مربوط به بیست الی سی سال اخیر نیست

در مناظرات نیز شیخ مفید و علامه حلی و شیخ صدوق مناظرات زیادی داشته اند.

در فقه مقارن نیز فقهاء ما تالیفاتی دارند من جمله انتصار سید مرتضی و معتبر محقق و تذکره علامه و منتهی علامه و خلاف شیخ طوسی که در اینها فقه آنها و فقه ما و مزیت فقه اهل بیت علیهم السلام بر فقه آنها بیان شده که این خودش نوعی مبارزه می باشد.

بالاخره علماء و فقهاء و شیعیان با علم و قلم و بیان و شعر و جان و خون خودشان توانستند تشیع را تا به امروز حمایت و حفظ کنند و این شاء الله حفظ خواهند کرد تا امام عصر علیه السلام ظهور بفرمایند.

بقیه بحث بماند برای بعد این شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
مُحَمَّد و آله الطاهیرین

کانال رسمی حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی (حفظه

الله):

**@noorihamedani**

کانال دروس خارج فقه حضرت آیت الله العظمی نوری

همدانی (حفظه الله):

**@noorihamedanidars**

بلکه علماء بزرگ ما از قدیم الأيام فاطمیه را با شور زیادی زنده نگه داشته اند و آن قبر بی نشان حضرت را نشانی از حقانیت اهل بیت علیهم السلام دانسته اند.

شخصی از اهل تسنن بوده اهل اطراف همدان که قاضی القضاة هم بوده کتابی بنام المغنی بر علیه شیعه نوشته و سید مرتضی ردیه ای بر آن نوشته بنام الشافی و بعد شیخ طوسی شافی را در ۴ جلد تلخیص کرده بنام تلخیص الشافی که در آن ۳۰ الی ۴۰ صفحه درباره فاطمه زهراء سلام الله علیها و جریانات زندگی حضرت و حقانیت ایشان بحث کرده بنابراین یکی از دلایل حقانیت شیعه در طول تاریخ همین جریان فاطمیه می باشد و ما نیز باید همین راه را ادامه بدهیم.

ائمه علیهم السلام سعی می کردند افرادی امثال هشام بن حکم ها را برای مناظره تربیت کنند و بعلاوه دادن خون و جان برای حفظ تشیع همواره وجود داشته، علامه امینی در کتاب شهداء الفضیلة فهرستی از علماء و فقهاء بزرگ ما را نام می برد که در راه حفظ و تقویت تشیع به شهادت رسیده اند من جمله شهید اول و شهید ثانی و یا قیام زید و شهادتش.

مردم ایران از اول محب اهل بیت علیهم السلام بوده اند و این کم کم رشد پیدا کرد مثلاً در کربلاء در میان لشکر امام حسین علیه السلام ایرانی بوده اما در میان لشکر یزید هیچ ایرانی نبوده و بعد هم وقتی مختار قیام کرد بیشتر لشکریانش ایرانی بودند و روایاتی نیز داریم که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود اگر ایمان و علم در ستاره ثریا باشند مردمی از ایران به آنها دست خواهند یافت.

علماء ما دیدند که سنی ها کلاً شیعه را از نظر علمی و تاریخ علمی قبول ندارند لذا سید حسن صدر کتابی بنام "تأسيس الشیعة لعلوم الإسلام" را تألیف کرد که در آن ذکر شده که مؤسس تمام علومی که الان در دست مسلمانان است شیعیان می باشند.